

تایان

نویسنده: نه‌ما چه‌ین مو رخ بز رک چینی

مترجم: احمد علی کهزاد رئیس انجمن تاریخ

قسمت دوم و آخرین قسمت

درینوقت ۱۲۱۰ ق م چین به ساختن استحکامات تدافعی در غرب (ان چو) شروع کرد. مملکت «چوچوان» مصمم شده بود تملقات خویش را باکشورهای خارجی شمال غرب توسعه دهد برای انجام این مقصد ایلچی‌های متعددی به کشورهای «انسی»، «بن تسه»، «لی سه بن»، «تیا اوچی» و «هند» فرستاد. چون امپراطور شیفته اسب‌های تایان شده بود ایلچی‌ها یکی پی دیگر به راه افتادند هیئت‌های اعزامی خوردوکلان مرکب از صد نفر یا بیشتر یا هیئت‌های چند صد نفری بطرف ممالک غربی رهسپار شدند و مقادیر هنگفتی مال التجاره و هدایا و تحایف به مراتب بیشتر از اشرف امشاهیر «جانگ چه بن» باخود گرفتند ولی بعد ازینکه این نوع مسافرت‌ها بیش از پیش معمول شد مجدداً رکودی رخ داد. در زمان سلاله «هان» هر سالی بیش از ده هیئت فرستاده میشد و میزان اقل این گونه مسافرت‌ها در سال از ده، کم نمی‌بود سفر در کشورهای دور تر و مراجعت از آن ۸ یا ۹ سال و مسافرت در ممالک نزدیک تر چند سالی در بر میگرفت. درین وقت سلاله «هان مردمان بوئه» و «ئی» را به جنوب غرب علاقه (سو) الحاق کرده و اینها تازه به اطاعت امپراطور چین سرفرود آورده بودند. حاکم نشین «بھائی» در «ئی چو» (بھائی چون)، «یا نکو» (شنلی) و «وونشان» تاسیس شد تاراه مراوده به سرحدات «تانه شیم» واصل و تامین شود. ازین نقاط و ایالات بیشتر از ده ایلچی تحت سربرستی، «یوشیه چنک» و «لویوین» و دیگران به تاشیا اعزام شدند ولی همه را در علاقه «کونمنگ» متوقف ساختند، کشتند و تاراج نمودند و گاهی به «تاعشیا» (باختر) رسیده نتوانستند.

سپس چین جنرال (کوچانگ) و (وی کانگ) را با جنایت کاران حوالی پایتخت و چندین ده هزار از مردمان «یا» و «سو» به سوی «کونمنگ» علیه کسانی سوق داد که سد راه ایلچیان چینی شده بودند قوای معیتی جنرال‌های موصوف کشتند و چندین ده هزار نفر بندی گرفته مراجعت کردند ولی باز هم نمایندگان

چینی را در (کونمنگ) متوقف می ساختند و زجر و آزار می دادند و راه هنوز هم مسدود ماند.

از طرف دیگر، از طریق شمالی ایلچی ها به تعداد زیاد از (چو جوان) به طرف (تاشیبا) حرکت میکردند و در اثر کثرت ورود نمایندگان و ایلچیان کشور های خارجی، با پول رایج چین مانوس شدند و مال التجاره چینی در آن دیار و فرت پیدا کرد چون (چانگ چه بن) در اثر کشودن راه مرادده باممالک خارجی مورد احترام واقع شده، کسب جاه و مقام نموده بود سائر صاحب منصبان و سپاهیان به تعقیب او و به رقابت یکدیگر را یورت های عجیب پیرامون چیز های دلچسپ کشور های غربی به امپراطور تقدیم می نمودند و خواهش میکردند به حیث ایلچی به خارج فرستاده شوند. چون امپراطور میدانست که کمتر کس به رضا و میل خاطر حاضر به رفتن به آن سرزمین های دور دست میشود بعد از استماع عرایض به آنها موقع و وسیله میداد تا حرکت کنند و هر کسی را که خواسته باشند بدون فرق نژاد با خود ببرند این کسان با همراهان خود برای کشودن و استقرار راه مرادده حرکت میکردند ولی در طول سفر به شکل از دزدان در راه زنان رهائی می یافتند. اگر ایلچی ها به وظایف خود غفلت میکردند امپراطور از کوتاهی های ایشان انعام نمی کرد ولی اگر قصور جدی تری از ایشان بعمل می آمد به قهر امپراطور مواجه میشدند و از گناهان آنها بازخواست میشد بدین قرار کسانیکه به حیث ایلچی به خارج میرفتند در مقابل تقصیرات جدی عذر می دادند و از عفو و عفو از قسا نون می ترسیدند. صاحب منصبان و سپاهیان که ذیل همراهان آنها به ممالک خارجه راه میافتند غالباً از دیار بیگانه تعریف می نمودند.

انهایی که حرف های کلان میزدند خود و ایلچی و انهاییکه حرف های خورد میزدند خویش را معاون محسوب میداشتند و به این ترتیب مردمان مداح و عناصر فرومایه در میان هیئت های نمایندگی پیدا می شوند و بیچارگان کم اصلی بودند که مال التجاره و تحایف و هدایا را از مصادر امور گرفته برای منافع شخصی خود به قیمت های گزاف به خارجیان میفروختند. بدین طریق مردمان کشورهای خارخی نسبت به ایلچی های چین که دروغ میگفتند

نفرت پیدا کردند و چون متبیین بودند که لشکر یان چین بدین جا های دور دست آمده نمیتوانند خود را که باب را مغفی میکردند تا ایشان از گرسنه کسی هلاک سازند و رفته رفته ایلچی های چین محتاج و بریشان حال گردیدند ازین هم بدتر بیجان بکدیگر افتادند اولان و (چوشی) کشوری های کوچکی بود معذالک به انداز می مردم مانس قسی القلب بودند که (وانگ هوی) ایلچی چین را در از کردند (شونگ نو) مکر بر سر ایلچی های چین که عازم کشور های غربی بودند لشکر می فرستاد.

بدین ترتیب نظر به ملاحظه اوضاع، سفر از عقوبت هائیکه در کشورهای خارجی دیده بودند زبان شکایت باز کردند و پیشنهاد نمودند که چون شهر های این ممالک دیوار دارد و محافظان آن کافی نمیباشد سهولت آنها را میتوان شکست داد و شهرها را کشود. بنا علیه امپراطور (یونو) (سردار چونگ پیاو) را در رأس رساله شاهی و لشکر یان محلی که تعداد شان بر چندین ده هزار نفر بالغ میشد به سمت رود خانه (شونگ) اعزام داشت تا برهنه ها حمله کنند وانی ها گریختند و جا خالی کردند. سال آینده (۱۰۸ ق م به ۱۰۷ چوشیه) حمله آوردند یونو به معیت ۷۰۰ نفر یا بیشتر افراد رساله سبک بحیث بیش قراول حمله آورده و پادشاه (اولان) را اسیر کرد و (چوشیه مغلوب گردید اوسون) و (تایان) و کشورهای دیگر تحت تهدید دستهای مسلح سپاه قرار گرفت. یونو عن المراجعة به احراز لقب سردار (چویه) نایل گردید و انگ هوی ایلچی که چندین مرتبه از طرف اولان مورد زجر و توهین قرار گرفته بود عریضهئی به امپراطور فرستاده و امپراطور او امری بوسی الصداق کردن تادر محاربات به یونو کمک کند و بعد هادر قبالی این خدمات بوسی لقب سردار (هانو) اعطای شد و در نتیجه پست های نظامی (چوچان) بطرف (یومن) وسعت پیدا کرد.

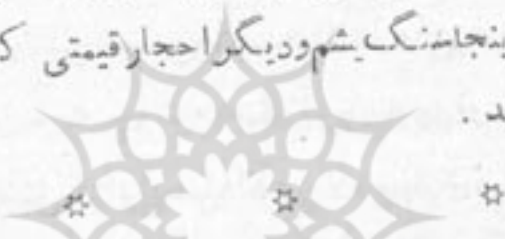


اوسون يك هزار رئیس اسپ بعنوان هدیه و شریفی از دراج تقدیم نمود و چین شهزاده خانم (چیانگتو) دختری از خاندان شاهی را فرستاد تا زن کونمو (پادشاه اوسون) شود. کونمو شهزاده خانم مذکور را مشکه رست راست (خاطر خواه خود) و دختر خان (شوانگ و) را که بزنی برایش فرستاده بودند ملک که دست چپ تعیین نمود چون کونمو پیروزمین گیر شده بود به نواسه اش (چن شو) گمت تا شهزاده خانم هارابه زنی بگیرد.

اوسون از اسپ بسیار غنی بود و بعضی اشخاص غنی هر کدام چهار پنج هزار اسپ داشتند .



چینی که نماینده چین بار اول به (انسی) رسید پادشاه انسی امر داد تا ۲۰ هزار سواران او چندین هزار (لی) دور تر از پایتخت بطرف سیرحدات کشور رفته و از نماینده چین استقبال بعمل آرند ایلچی در طی مسافرت خود تا پایتخت از تقریباً ۲۰ شهر مختلف دیگر گذشت و عده زیادی از اتباع کشور مذکور را از نظر گذرانید و وقتی که نماینده چینی بر میگشت کشور انسی ایلچی خود را به معیت وی اعزام نمود تا عظمت کشور چین را به بیند و در عین زمان تحایفی به معرفت همین ایلچی برای امپراطور چین ارسال نمود که در آن جمله بنام های پر زنده بزرگ و ساحری بنام رلی سهین (هم وجود داشت) بعدتر کشورهای کوچک غرب تایان مثل (هوان چهین) (وتائی) و ممالکی که بشرق آن واقع است از قبیل (چوشی) (کانمی) و (سیوسیه) هم ایلچی های تحایف به دربار امپراطور فرستادند . امپراطور بسیار خورسند شد . ایلچی های چین سرچشمه رودخانه زرد را در (یوتین) تعیین کردند و چینی مراجعت از اینجاستنگ بشم و دیگر احوال قیمتی که در کوه های آن منطقه فراوان است با خود آوردند .



در خلال این دوره امپراطور تا کرانه های ساحلی کشور خود به گردش و مسافرت بر آمد و مهمانان خارجی را با خود همراه گرفت و شهر های بزرگ را به ایشان نشان داد و ضمناً پول و پارچه های ابریشمی به ایشان تعارف نمود و در مهمانی های مجلل ثروت سرشا و غنای مملکت چین را بصورت شایسته به آنها نشان داد در طی این گردش ها مسابقه های کشتی گری ، نمایش های خارقه و چیز های عجیب و غریب باعث جلب جم غفیری میشد به مهمانان نشان داده شد در ضیافت های مجلل و فرخنده خوردنی نوشیدنی به حدی می بود که به اصطلاح چینی در پارچه های شراب و جنگل های گوشت پهن و منبسط میشد هکذا به مهمان های خارجی کدام ها و انبار خانه ها را نشان میدادند تا عظمت کشور چیز را از هر پهلو به بیند و تحت تاثیر آیند این همه تظاهرات با نمایش ساحران و کشتی پهلوانان و نمایش شعبده بازان و سائر نمایش ها که هر سال به نوعیت آن افزوده میشد وضعی جدیدی بخود گرفت که آنرا میتوان بکنوع وسیله تعیش نام نهاد .



ازین تاریخ به بعد ایلچی ها و سفرای کشورهای خار جی مناطق شمال غرب
 بیشتر می آمدند ولی ممالکی که در غرب تایان افتاده بودند و بسیار دور تر بودند
 هنوز شیوه خود خواهی و خود پسندی را از دست نداده سراطاعت فرود نمی آورند.
 کشورهای که از (اوسون) بطرف غرب جانب (انسی) قرار داشتند نزدیک به شونگنو
 بودند و چون ملاحظه میکردند که شونگنو بر (یوچیه) غالب شده است از طریق
 احتیاط به جان و مال ایلچی های (شونگنو) متعرض نمیشدند و میگذاشتند که پیام خان
 را از کشوری به کشوری ببرند اما وقتیکه نمایندگان چینی به این ممالک واصل
 میشدند باید برای خورا که واسب های سواری مورد احتیاج خود پول به پردازند
 علت این کار هم واضح بود چون چین کشوری بود دور افتاده و از پول و دارائی
 سرشار، مردمان ممالک فوق الذکر نسبت به ایلچی های چین از ایلچی های (شونگنو)
 بیشتر مبرتر میدانند و برای رفع احتیاجات سفرای چین از ایشان پول مطالبه میکردند.

مردمان تایان و کشور های مجاور آن از انگور شراب میساختند و اعیان و صاحبان
 ثروت تا ده هزار شی (صد لیتر) بیشتر شراب ذخیره میکردند و شراب های
 ذخیره شده آنها تا چین بیست سال بقوی محافظه میشد این مردم عاشق شراب بودند
 و اسب های شان بیشتر رشفه میخورد. ایلچی های چین تخم رشفه و ریشه تاک با خود
 آوردند و امپراطور بنا گذاشت آزاراضی حاصل خیز رشفه و انگور حاصل بگیرد
 بعدترها که ایلچی های خار جی به تعداد زیاد به چین آمدند و اسب های اسمانی
 با خود آوردند تاک و رشفه دورا دور مهمانخانه های ایشان را تا جایی که چشم
 کار میکرد فرا گرفته بود. با اینکه تایان ممالک غرب (تایان) از زبان (انسی)
 فرق داشت عرف و عادات ایشان بهم شبهه بود و عموماً به زبان یکدیگر خود می فهمیدند
 مردم کشور های متذکره چشمان فرورفته و ریش و بروت انبوه داشتند. در تجارت
 ماهر بودند و مخصوصاً در معامله بایول کم بسیار زرنگی بخرچ میدادند به زن
 احترام زیاد قایل بودند. ابریشم و لاک در آن دیار پیدا نمیشد و ساختن آهن با را
 نمیدانستند تا اینکه از سپاهیان چین ساختن اسلحه آهنی را یاد گرفتند چنانکه
 نقره و طلا از چین دریافت کردند از فلزات مذکور بجای مسکوکات ظروف ساختند.

✽ ✽

در میان سفرای چین برخی در اثر استشاره های ناصواب به امپراتور اطلاع دادند که در تایان کره اسپ بسیار خوبی است که پادشاه تایان در شهر (ارشیه) پنهان کرده و از تقدیم آن به نماینده چین خودداری نموده است چون امپراتور شیفته و عاشق اسپ تایان بود از استماع این خبر آتش اشتیاقش شعله ور شده و در میان فرادگارد شخصی اش (چو لینگ) و برخی دیگر را با هزار سکه طلا و مجسمه طلائی اسپ به دربار پادشاه تایان فرستاده و کره اسپ شهر ارشیه را مطالبه نمود مملکت تایان از محصولات چینی بسیار داشت و بزرگان آن کشور می اندیشیدند که چون چین دور واقع شد مو سراهی سوزان و آب های شور است باعث انلاف جانها شده راه شمالی را هنها گرفته و راه جنوب دشت است و شهر و وادی و آبادانی و خود را که پیدا نمیشود و غالباً درین سفرها از هیبت های چند نفری چینی نصف آن از گرسنگی تلف شده اند چطور چین برای سرکوبی ما لشکر فرستاده میتواند؟ گذشته ازین چون کره اسپ (ارشیه) در نظر ایشان بسیار قیمت دار بود از دادن آن به نماینده چین خودداری کردند. در نتیجه چین قهر کرد و کلمات زننده نامناسب بر زبان آورد و مجسمه اسپ طلائی را با چکش تکه تکه کرد. بزرگان تایان هم قهر شدند و گفتند: نماینده چین ما را سبک ساخت. لذا او را اخراج کردند و به شرق تایان به یوچی هاسپردند. تا اینکه بقتل رسید و پولش به تاراج رفت. روی این پیش آمد امپراتور غضب شد. برخی از سفرای سابقه چین که تایان را دیده بودند و از اوضاع آن اطلاع داشتند مانند (یاوتین - هان) و دیگران معروض داشتند که قوای نظامی تایان ضعیف است و از خود دفاع نمیتواند ۳ هزار سپاهی مسلح بانیر و کمال برای اشغال آن کافیهست. امپراتور سردار (چو نه) را به حمله بر (اولاند) مامور ساخت و سردار مذکور با هفتصد نفر سوار پادشاه آن مملکت را اسیر کرد و نظر به (یاوتین هان) و دیگران مبنی به ضعف آن کشور به امپراتور ثابت شد امپراتور به مراعات خاطر معشوقه دلخواهش شخصی موسوم به (لی کوانگ لی) را به صفت جنرال ارشیه نامزد نمود و در رأس شش هزار سوار از کشورهای تابع و چندین ده هزار از جوانان دولت های تحت قبول مامور حمله بر تایان ساخت به جنرال مذکور پیش از پیش لقب سردار ارشیه، از آن جهت داده شد تا در حمله منجا همدت ورز دوشهر را به تصرف آورد. (چاوشی چنگ) رئیس مراکز فرمانداری، (وانگ هوی) سابق سردار

(هاو) قوماندان دسته پیش تاز ، و (الی شیه) حکمران امور نظامی تعیین شد در سال
 اول دوره (تی شو) (۱۰۴ ق) ، حینکه خیل مخ به (کوان تنگ) پیدا شد بطرف غرب
 به (تون هوانگ) به پرواز آمد و قتیکه لشکریان جنرال (ارشیه) بسوی غرب
 بجانب (ارودخانه نمک) پیش روی میکردند کشورهای کوچک عرض راه ترسیده
 و دروازه های شهرهای خویش را مسدود ساختند و از دادن خورا که خود داری
 نمودند. برای کشایش شهرهای مذکور حمله هائی بعمل آمد ، از برخی که کشوده
 شد خورا که گرفتند و برخی که کشاده نشد بعد از چندروز محاصره بحال خود
 ماند و لشکریان به حرکت خود ادامه دادند. بدین طریق حینیک سپاهیان به
 (بوئه چنگ) مواصلت نمودند از تعداد آنها کاسته شده و فقط به چندین هزار نفر
 میرسیدند و آنها هم گرسنه و خسته و کوفته شده بودند. بهر حال به (بوئه چنگ) حمله
 کردند ولی سخت شکست خوردند و به تعداد زیاد کشته و زخمی گردیدند. جنرال
 (ارشیه) متفق النظر با (الی شیه) و (چاشی چنگ) و دیگران میگفتند در حالیه که
 (بوئه چنگ) را گرفته نتوانند پایتخت تایان را احسان خواهند گرفت. پس مصمم شدند
 که باقی مانده سپاه را گرفته مراجعت کنند و رفت و آمد درین مسافرت دو سال وقت
 گرفت و عندالورود به (تون هوانگ) از هر ده نفر سپاهی فقط یک یا دو نفر باقی
 مانده بود. از نقطه اخیر الذکر قاعده ای نزد امپراطور فرستادند و به عرض رسانیدند
 که چون راه طولانی و خورا که کمیاب بود سپاهیان نه از ترس چنگ بلکه از
 گرسنگی درمخاطر بودند و تعداد شان به اندازه کاهش یافت که با عده باقی مانده
 فتح تایان میسر نبود لذا بزگشتند و استدعا نمودند که تا موقع اضافه شدن عده
 سپاهیان سوقیات نظامی معطل بشود. ^{شوشکا و علوم انسانی و مطالعات منطقه ای} ^{اطلوم ازین} معروضه به قهر شد و به قصد
 امرداد که به دروازه (یومن) رفته اعلام کند که هر فرد سپاهی که جرئت کرده
 از دروازه (یومن) بسگذرد سرش زده خواهد شد. جنرال (ارشیه) ترسیده
 و از تون هوا ننگ پیش نیامد چوت در تابستان همین سال چین در حدود ۲۰ هزار
 حتی بیشتر از لشکریان خود را که تحت فرماندهی سردار (چویه) علیه هومن
 می جنگیدند از دست داد و زر او مشاوران مملکت چنین سنجیدند که سوقیات
 بطرف تایان معطل شود تا سپاه بعزم حمله برهن هاتمرکز گردد. ولی امپراطور
 اصرار داشت که تایان مالش یابد و تبصره کنان برو قایع اظهار نمود اگر کشور

کوچکی مثل تایان مغلوب نشود، کشورهای بزرگ مثل (تاشبا) (باختر) به کشور چین به نظر حنارت خواهد نگریست از تایان اسپ نخواهند فرستاد و کشورهای (اوسون) و (لون تو) به مراتب بیشتر از سابق نسبت به سفر و ایلچیان چینی بد رفتاری خواهند نمود و چین در میان کشورهای خارجی مورد تمسخر و استهزا قرار خواهد گرفت بدین مواجب (تن کوانگ) و دیگران که عدم امدادگی حمله رنایان را منجید بودند متهم شدند. آن گاه بندی ها را کرده اند مشیرداران، جوان ها و سواران سر حدی در سلك نظام شامل ساخته شدند و در ظرف کمتر از یکسال شصت هزار کس که در آن جمله کسانی که به قصد اجرای امور شخصی بجز حرکت آمده بودند بحساب نبود، آمده شد و بصوب (تون هوانگ) به جنبش آمد. با این سپاه صد هزار تن حیوان، بیست و سی هزار اسب و ده هزار خر و قاطر و یابو و مقادیر زیادی از خورا که و اسلحه فرستاده شد. تمام مملکت درین سو قیامت سهم داشت و بیش از پنجاه صاحب منصب در عملیات داخل بود.

پایتخت تایان به دو راه دور خود دیوار نداشت و باشندگان شهر آب مورد احتیاج خود را از بیرون می آوردند. چین برای رفع نیازمندی مردم کارشناسان آبیاری به آنجا اعزام نمود تا ذریعه کسنا و ترتیبات دیگر به شهر آب برسانند - ۱۸۰ هزار از افراد گارد به شمال (چوچوان) و (چانگی) فرستادند تا دسته سپاهیان را که در (چوین) و (شیونو) بفرستند دفاع (چانگی) متوقف هستند تقویت نمایند. به مقصد بینی که مرتکب هفت گناه خفیف شده بودند امر سفر بری داده شد تا مواد لازمه را برای جنرال ارشیه حمل و نقل دهند و کاروان های عراده و پیاده یکی بعد دیگری براه افتاد. حنیکه سپاه به (تون هوانگ) رسید دوشخصی که در شناختن اسپ مهارت داشتند بحیث مهتر باشی مقرر شدند تا در انتخاب و تربیه اسپ و کره ها ئیکه از تایان مغلوب گرفته میشد صرف مساعی و مواظبت بعمل آرند.

این دفعه چون سپاه جنرال ارشیه از نظر تعداد زیاد بود پهر جا ئیکه میرسیدند مردمان کشورهای کوچکی از ایشان استقبال بعمل آورده و خو را که

تقدیم میکردند تا اینکه سپاه به (لون تو) رسید و مقاومت احساس شد. پایتخت آن بعد از چندین روز محاصره با لآخره کشاده گردید و براهالی آن حکم قتل شد و من بعد در سیر حرکت سپاه بطرف غرب تا پایتخت تایان تسهیلات در هر چیز پیش شده رفت. وقتیکه سپاه چین به تعداد ۳۰ هزار نفر وارد به پایتخت شدند با سپاهیان تایان مواجه گردیدند و در نتیجه قوای اخیرا لذتگرا شدند و پس پا شد و عقب دیوارهای شهر پناه برد جنرال ارشیه بفکر افتاد که رفته به شهر (یوچنگ) حمله کند ولی از ترس اینکه مبادا تا خیر رخ دهد و باعث ظهور پیش آمد سوئی شود ازین فکر منصرف شد و آب مورد احتیاج پایتخت را قطع نمود و شهر را مدت بیش از ۴۰ روز در محاصره گرفت تا اینکه در حصص بیرونی شهر رخنه تولید شد و یکی از جنرال رشید تایان (چه بن می) که مرد نجیبی بود اسیر گردید لشکرهای تایان بسیار هراسان شدند و به وسط شهر عقب نشینی نمودند آنگاه نجیبی تایان بشوره پرداختند یکی از ایشان اظهار داشت: چین از آن جهت به تایان حمله کرد که پادشاه ما (موکسا) کره اسپ مطلوب را پنهان نموده و ایلچی چین را بقتل رسانیده حال اگر پادشاه خود (موکسا) را بکشیم و کره اسپ را تقدیم نمایم سپاه چین به اکثر احتمال دست از سر ما خواهد برداشت و ترک دیار ما خواهد کرد. و اگر باز هم به مراجعت حاضر نشوند تا مرگ با آنها جنگ خواهیم نمود. سائر نجبا به این نظریه موافقت کردند و پادشاه (موکسا) را کشتند و یکی از نجبا سر پادشاه را گرفته پیش جنرال ارشیه رفت و بوی خطاب کرده گفت: ما اگر سپاه چین دست از سر ما بردارد و از حمله منصرف شود به طیب خاطر تمام اسپ های خوب خود را بشما تقدیم خواهیم کرد و به سپاهیان آذوقه خواهیم رسانید و اگر به حمله مبادرت کنید همه اسپ های خوب را خواهیم کشت و در عین زمان قوای ایله جاری ما از (کنگ شو) خواهد رسید و آنگاه ما از داخل و ایشان از خارج از دو طرف سپاه چین را در میان خواهیم گرفت حالا انتخاب یکی ازین دو پیشنهاد کار شماست. در خلال این جریانات (کنگ شو) و مردان آن انتظار داشتند و به سپاه چین مینگریستند و چون هنوز قوای مذکور نروتازه بود جرئت نمیکردند بران حمله کنند. جنرال ارشیه با (چاوشیه جنگ) و (ای شی) و دیگران بین خود کنکاش کردند و پیشنهادات نجیبی (تایان) را تحت غور قرار دادند و چون ملتفت

گردیدند که مردمان داخل پایتخت تایان به تازگی به رهنمائی مردی بنام (چین) به استعمال سلاح مهارست پیدا کرده اند و انبارهای ایشان هنوز از خوراکه باب مملو است اندیشدند و پیش خود فیصله کردند که رؤسای (تایان) پادشاه خود (موکا) را که متهم بود به سزارسانیده و سر او را اینجا حاضر کرده اند اگر از معاصره شهر دست نکشیم مردم تایان در محاصرت شهر خواهند کوشید و مردم (کانگ چو) که سپاهیان چینی را خسته دیدند به کمک هموطنان خود خواهند شتافت و درین صورت بدون شك و تردید لشکر چین شکست خواهد خورد. صاحب منصبان همه به این استدلال روی موافقت نشان دادند و شرایط تایان پذیرفته شد تایان بهترین اسب خود را بیرون کشید تا از ان میان برای امپراطور چین انتخاب کنند و برای لشکریان چینی خوراکی تهیه و تقدیم نمودند لشکریان چین چندین بیست رانس از بهترین اسبها و ۳۰۰۰ نریان و مادیان از نژادهای متوسط و پایان انتخاب نمودند سپس (لوشه) نام مرد نجیبی را که با ایلچی های چین خوش رفتاری نموده بود بحیث پادشاه برداشته در دایره صلح و سلام وی را متحد خود ساختند و بدون داخل شدن در وسط پایتخت تایان بالاخره راه مراجعت کشور خود پیش گرفتند.



چینی که جنرال ارشیه میخواست از (تون هوانگ) به طرف غرب حرکت کند بفکر اینکه نفری معیت وی از حد زیاد است و تهیه خوراک در راه مشکلاتی فراهم خواهد کرد سپاهیان خود را منقسم نموده و از طریق شمال و جنوب اعزام کرد کپتان (وانگ شنگ) و رئیس سابق تشریفات (هو چونگ کو) در رأس هزار نفر سرباز جدا گانه راه (به چنگ) پیش گرفت شهر را بروی وی بستند و به سپاهیان خوراکی ندادند وانگ شنگ - شنگ خوراکی خواست ولی کسی از شهر بیرون نشد و جواب رد شنید زیرا کپتان مذکور دو صد (لی) از دسته مرکزی قوادور شده بود چون (به چنگ) ملتفت شد که هر روز به تداریج قوه سپاهیان (وانگ) به تحلیل میرسد و ضعیف شده میرود یکروز صبحگاهی با ۳ هزار مرد بروی حمله کردند و وانگ شنگ - شنگ و دیگران را کشتند و فقط چند نفری جان سلامت برده پیش جنرال

ارشیه فرار اختیار کردند. آنوقت جنرال ارشیه به صاحب منصب تهیه ازوقه (شانگ کوان چیه) امر اشغال (به چنگ) را صادر نمود. پادشاه (به چنگ) به (کنسنگ چو) فرار کرد. (شانگ کوان چیه) وی را به کنگ چو تعقیب کرد. چون پادشاه (کنگ چو) از فتوحات لشکر چین بر (تایان) اطلاع یافته بود پادشاه (به چنگ) را به (شانگ کوان چیه) تسلیم نمود و اخیرالذکر پادشاه اسیر را به معیت چهار سوار به نزد جنرال بزرگ اعزام نمود. سواران میان خود کنکاش و تجویز نمودند که چون پادشاه (به چنگ) دشمن چین است اگر زنده بماند مبادا در راه فرار کند و مصیبتی برای ما بار آورد. لذا کمر به قتل او بستند ولی هیچکدام جرئت نمی‌کرد که ضربت اول را بوی وارد کند تا اینکه (چاوتی) ساکن (شانگ کوان) که از همه جوان تر بود مشیر خود را کشیده و سر شاه مذکور را از بدن جدا کرد و (چاوتی) و (شانگ کوان چیه) و دیگران سر پادشاه (به چنگ) را پیش جنرال بزرگ بردند.

سپس جنرال ارشیه بار دوم عزم سفر کرد و این دفعه امپراطور ایلچی به (اوسون) فرستاده از آن خواست نمود تا قوای بزرگی به کمک چین علیه تایان فرستند (اوسون) دو هزار سوار اعزام کرد ولی سواران کناره لیستاده و به تعرض اقدام نکردند و قتی که جنرال ارشیه بکنهت شرق در حرکت آمد پادشاهان کشورهای کوچک عرض راه که خبر مغلوب شدن تایان را شنیده بودند پسران و برادران خورا فرستادند تا حیث گروگان پیاپی سپاه حرکت کنند و مراتب جان نثاری به پیشگاه امپراطور تقدیم دارند.

هنگام سوقیات جنرال ارشیه علیه تایان (چاوشیه چنگ) که در میدان جنگ رشادت بخرچ داده بود شهرت زیادی کسب کرد (چانگ کوان چیه) به جرئت زیاد در اعماق قلب صفوف دشمن پیش تاخته بود و (لی چیه) مشوره های خوب داده بود چینی که سپاه از دروازه (یولن) میگذشت عده سپاهیان کمی بیش از ده هزار و تعداد اسپان نظامی به هزار بالغ میشد. در طی سوقیات دوم جنرال ارشیه سپاه از نرسیدن خورا که از حمت ندید در عملیات جنگی هم عده کمی تلف شدند معذک

چون جنرالها و کمیشنرها هر یس بودند و نسبت به منافع سپاهیان که آنها را
 اصلاً دوست نداشتند بین خود منازعه نمودند عده زیادی تلف شد معذک چون
 به فاصله دوری که به ده هزار (لی) میرسید در سوقیات علیه (تایان) کامیابی حاصل شده بود
 امپراطور در مقابل انحرافات گذشت نشان داده و به (لی کوانگ لی) لقب سرداری
 (هیسی) اعطا نمود همین قسم سوارر ساله (چاوتی) را که شخصاً پادشاه (به چنگ) را کشته بود
 به لقب سرداری (هشن شیه) مفتخر ساخت و دیه - گران مثل (چا و شیه چنگ)
 بسمت مشاور اعلی و (شانگ کوان چیه شالوفو) ناظر اذوقه در بار و (لی چیه)
 بحیث حکمران (شانگ تانگ) مقرر نمود. از بقیه صاحب منصبان سه نفر به مقامات عالی
 نظامی نایل شدند و بیش از صد نفر خوانین صاحب تیول گردیدند که در حدود دو هزار شیه
 (یک شیه من حیث وزن مساوی ۲۸/۱۱ پوند بود) برنج عایدات داشتند و بیش از
 هزار نفر دیگر مقام اربابی داد که کمتر از هزار شیه برنج عایدات هر کدامشان
 بود. داوطلبان خدمات نظامی را بالاتر از انتظارشان به رتبه های نظامی رسانید
 و کسانی را که مقصر شناخته شده بودند از خدمات عسکری معاف ساخت و روی
 هم رفته چهل هزار مسکوک طلائی را هم طور بخشش به سپاهیان اعطا نمود. رفت و آمد
 لشکریان درین سوقیات چهار سال وقت گرفت.



بعد از اینکه سپاه چین (تایان) را شکست داد (موشه) را به پادشاهی کشور ر مذکور
 برداشت یک سال یا کمی بیشتر ازین واقعه نگذشته بود که نجیبی تایان او را به
 خود ستانی متهم ساخته و جلادان را دعوت نموده بصورت دسته جمعی ویرا کشتند
 و (شان فنگ) برادر کوچک (موکا) را به پادشاهی تایان انتخاب نمودند و پسر او را
 بحیث گروگان به چین فرستادند. چین با ارسال تحایف ایلچی ایشان را آرام ساخت
 سپس چین بیش از ده ایلچی به کشورهای خارجی بقرب تایان اعزام نمود تا مال التجاره
 عجیب جستجو کنند و خبر فتح چین را بر تایان هر طرف بخش نمایند. بناء علیه ایالتی در
 (چیو حیوان) در (تون هوانگ) تجویز و سربار خانه ها بطرف غرب تا رودخانه نمک
 تاسیس گردید. در (لون تو) چند صد نفر عامل گماشته شد تا زمین پیدا کرده و ارزن
 بکار بند و ذخیره کنند تا ایلچی ها در راه مسافرت به کشورهای خارجی از آن
 استفاده نمایند.